



Evaluation of the Role of Personality Disorders in Committing Financial Crimes and Fraud

Hessam Saeedi ¹, Morteza Sadeghi ²

1. Department of Law, Shk.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. E-mail: hessam.saeedi@iau.ac.ir

2. Department of Law, Shk.C., Islamic Azad University, Shahrekord, Iran. (Corresponding Author). E-mail: Mortezasadeghi1@iau.ac.ir

Received: 2025-06-23	How to cite this article: Saeedi, H., & Sadeghi, M. (2025). Evaluation of the Role of Personality Disorders in Committing Financial Crimes and Fraud. Research Journal on Business Law and Investment, 1(1) (1): 81-94.
Revised: 2025-08-20	
Accepted: 2025-08-30	
Available Online: 2025-09-23	

Introduction

Financial crimes, especially fraud, are recognized as major social and economic challenges in modern societies. These crimes not only cause significant financial losses but also undermine public trust in economic and judicial systems. Among the numerous factors influencing the commission of these crimes, the role of psychological factors, particularly personality disorders, has received special attention. Personality disorders, by creating persistent maladaptive behavioral, cognitive, and emotional patterns, can predispose individuals to criminal behaviors, including deception, fraud, and financial exploitation. This research has been conducted with the aim of explaining the relationship between various types of personality disorders and the commission of financial crimes, particularly fraud. This study seeks to answer whether personality disorders can significantly influence the commission of such crimes and, if such an influence exists, which personality disorders are most associated with financial criminal behaviors. The main objective of this research is to evaluate the role of personality disorders in committing financial crimes and fraud. Additionally, identifying the psychological characteristics and behavioral patterns of individuals with these disorders that lead them towards financial crimes is considered a secondary objective of this study.

Method

This research was conducted using a descriptive-analytical method and relied on library studies. The required data were collected through a systematic review of scientific literature, valid articles, and empirical reports in the fields of criminal psychology, criminology, and law. The researchers, by performing qualitative content analysis of these sources, extracted and categorized findings related to the connection between various types of personality disorders and financial crimes.

Findings

The findings of this study indicate that personality disorders, especially Antisocial, Narcissistic, and Borderline Personality Disorders, have a significant relationship with committing financial crimes and fraud. Individuals with Antisocial Personality Disorder, due to characteristics such as disregard for the rights of others, deceitfulness, lack of guilt, and inability to learn from punitive experiences, are directly prone to committing crimes like fraud, embezzlement, and financial scams. These individuals use their social skills to deceive victims. Those with Narcissistic Personality Disorder, motivated by maintaining a grandiose self-image and gaining admiration and approval from others, may resort to financial fraud and deception. They justify using illegal and deceptive methods to achieve financial success and superior status. Individuals with Borderline Personality Disorder, due to emotional instability, fear of abandonment, and impulsive behaviors, might turn to fraud and other financial crimes when facing crises or psychological-economic pressures. Analysis of psychological models also confirmed these results:

1. The Psychoticism Model attributes the root of these behaviors to unpleasant childhood experiences and maladaptive defense mechanisms.
2. The Behavioral Model emphasizes the role of learning and the reinforcement of criminal behaviors in the environment.
3. The Cognitive Model considers cognitive distortions such as self-centeredness and disregard for consequences as the main factor.
4. The Sociocultural Model also acknowledges the influence of dysfunctional environments and economic inequalities in the formation and reinforcement of these behaviors.

Conclusion

In conclusion, it can be stated that personality disorders, particularly antisocial, narcissistic, and borderline types, act as significant risk factors in committing financial crimes and fraud. This connection is not solely due to individual factors; rather, there is a complex interaction between personality traits, psychological factors, socio-economic conditions, and cultural contexts. Therefore, preventive and combative approaches to financial crimes cannot focus solely on punishment; they must also prioritize early identification, psychological assessment, and treatment of personality disorders in at-risk populations (such as financial officials). Developing integrated preventive and interventional strategies that include psychological, social, and economic measures can effectively play a role in reducing the incidence of financial crimes. Future research could investigate the role of mediating variables such as culture, gender, and age in this relationship.

English Keywords: Financial Crimes, Psychological Disorders, Criminal Psychology, Fraud, Financial Crime Psychology.



ارزیابی نقش اختلالات شخصیت در ارتکاب جرائم مالی و کلاهبرداری

حسام سعیدی^۱، مرتضی صادقی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. رایانامه: hessam.saeedi@iau.ac.ir

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: Mortezasadeghi1@iau.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

جرائم مالی و کلاهبرداری به‌عنوان یکی از چالش‌های بزرگ اجتماعی و اقتصادی در جوامع مختلف شناخته می‌شوند. این تحقیق به ارزیابی نقش اختلالات شخصیت در ارتکاب این نوع جرائم پرداخته و تلاش دارد تا رابطه‌ای میان ویژگی‌های شخصیت افراد مبتلا به اختلالات شخصیت و گرایش آن‌ها به ارتکاب جرائم مالی، به‌ویژه کلاهبرداری، پیدا کند. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا اختلالات شخصیت می‌توانند به‌طور معناداری در ارتکاب جرائم مالی مانند کلاهبرداری تأثیرگذار باشند و در صورتی که چنین تأثیری وجود دارد، چه اختلالاتی بیشتر با این نوع رفتارها ارتباط دارند؟ برای پاسخ به این سؤال، از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. این روش شامل مرور متون موجود در زمینه‌ی اختلالات شخصیت و بررسی ویژگی‌های رفتاری افراد با اختلالات شخصیتی مختلف می‌باشد. همچنین، در این تحقیق از تحلیل مقالات علمی و گزارش‌های تجربی برای شناسایی الگوهای رفتاری و روان‌شناختی مرتبط با ارتکاب جرائم مالی استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که اختلالات شخصیت، به‌ویژه اختلالات آنتی‌سوسیال و نارسیستی، ارتباط معناداری با ارتکاب جرائم مالی دارند. افراد مبتلا به این اختلالات معمولاً تمایل بیشتری به استفاده از فریبکاری و دستکاری افراد برای دستیابی به منافع مالی دارند. به‌طور کلی، نتایج تحقیق نشان می‌دهند که اختلالات شخصیت می‌توانند به‌عنوان عامل‌های کلیدی در ارتکاب جرائم مالی عمل کنند و شناسایی و درمان این اختلالات می‌تواند به کاهش جرائم مالی کمک کند. در نهایت، پیشنهاد می‌شود که سیاست‌های پیشگیری از جرم به‌ویژه در زمینه‌ی کلاهبرداری، باید توجه بیشتری به شناسایی و درمان اختلالات شخصیت داشته باشند.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

کلیدواژه‌ها: جرائم مالی، اختلالات روانشناسی، روانشناسی جرائم، کلاهبرداری، روانشناسی جرم مالی.

استناد: سعیدی، حسام و صادقی، مرتضی (۱۴۰۴). ارزیابی نقش اختلالات شخصیت در ارتکاب جرائم مالی و کلاهبرداری. حقوق کسب و کار و سرمایه‌گذاری، (۱۱) (پیاپی ۱)، ۹۴-۸۱.

مقدمه

جرائم مالی، به‌ویژه کلاهبرداری، یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های اجتماعی و اقتصادی در بسیاری از جوامع امروزی است. این جرائم علاوه بر آسیب‌های مالی که به افراد وارد می‌کنند، می‌توانند به‌طور گسترده‌ای بر ساختار اجتماعی و اقتصادی جوامع تأثیرگذار باشند. در این میان، عوامل روان‌شناختی و فردی بسیاری در ارتکاب جرائم مالی دخیل هستند که اختلالات شخصیت یکی از مهم‌ترین این عوامل به‌شمار می‌آید. اختلالات شخصیت، به‌ویژه آن دسته که با ویژگی‌های ماندنی‌تری به‌توجهی به حقوق دیگران، فریب‌کاری و ناتوانی در درک عواقب رفتارهای خود همراه هستند، به‌طور مستقیم با ارتکاب جرائم مالی و کلاهبرداری مرتبط می‌باشند.

جرائم مالی نه تنها تأثیرات منفی بر قربانیان خود دارند، بلکه بر نهادهای اقتصادی و اجتماعی نیز آسیب وارد می‌آورند. این جرائم می‌توانند موجب کاهش اعتماد عمومی به سیستم‌های اقتصادی و حتی به سیستم‌های قضائی شوند (بلک^۱، ۲۰۲۰: ۵۱). به همین دلیل، بررسی روان‌شناختی و اجتماعی عوامل مؤثر بر ارتکاب این جرائم، از جمله اختلالات شخصیت، می‌تواند به‌عنوان یک گام مهم در جهت کاهش وقوع این نوع جرائم مطرح گردد. بر اساس پژوهش‌های موجود، افراد مبتلا به اختلالات شخصیت در مقایسه با سایر افراد، بیشتر در معرض ارتکاب جرائم مالی هستند و این ارتباط می‌تواند به‌طور ویژه در زمینه‌های کلاهبرداری و اختلاس به‌وضوح مشاهده شود (میلر، لینام و ویدیگر^۲، ۲۰۲۱: ۲۲)؛ بنابراین، هدف اصلی این تحقیق، ارزیابی نقش اختلالات شخصیت در ارتکاب جرائم مالی و کلاهبرداری است. در این راستا، به تحلیل ویژگی‌های روان‌شناختی افراد مبتلا به اختلالات شخصیت و بررسی نحوه تأثیر آن‌ها در ارتکاب جرائم مالی پرداخته خواهد شد. نتایج این تحقیق می‌تواند به تدوین استراتژی‌های مؤثرتر در پیشگیری از جرائم مالی کمک کند و نقشی مؤثر در کاهش میزان کلاهبرداری‌ها و سایر جرائم اقتصادی ایفا نماید. به‌ویژه اینکه شناسایی و درمان اختلالات شخصیت در افرادی که در معرض ارتکاب این جرائم هستند، می‌تواند یکی از راهکارهای مؤثر در پیشگیری از چنین رفتارهایی باشد.

در نهایت، این تحقیق بر اهمیت بررسی دقیق‌تر اختلالات شخصیت در روند پیشگیری از جرائم مالی تأکید دارد و پیشنهاد می‌کند که در سیاست‌های پیشگیرانه و درمانی، به این جنبه از مسائل روان‌شناختی و رفتاری توجه بیشتری صورت گیرد. چون این اختلالات می‌توانند به‌عنوان عامل‌های کلیدی در ارتکاب جرائم مالی عمل کنند، به‌ویژه در افرادی که در مواجهه با موقعیت‌های اقتصادی و مالی آسیب‌پذیر هستند (کوهن و فیلسون^۳، ۲۰۲۱: ۱۷).

۱. مفهوم و انواع اختلالات شخصیت

اختلالات شخصیت به‌عنوان یک گروه از اختلالات روان‌شناختی شناخته می‌شوند که در آن‌ها الگوهای غیرعادی و پایداری از تفکر، احساسات و رفتارهای فرد وجود دارد که بر روابط اجتماعی و شغلی او تأثیر منفی می‌گذارد. افراد مبتلا به اختلالات شخصیت معمولاً در مواجهه با دیگران مشکلات جدی دارند و قادر به تطبیق خود با شرایط اجتماعی و محیطی نیستند. این الگوهای رفتاری، اغلب در دوران نوجوانی یا اوایل بزرگسالی شروع شده و در طول زمان ثابت و مقاوم به تغییر باقی می‌مانند؛ به عبارت دیگر، این اختلالات معمولاً پایدار هستند و تغییر آن‌ها بسیار دشوار است.

در سال‌های اخیر، مدل‌های مختلفی برای طبقه‌بندی اختلالات شخصیت وجود داشته است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، طبقه‌بندی ارائه‌شده در راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی (DSM-5) است که اختلالات شخصیت را به سه گروه اصلی تقسیم می‌کند: گروه A، گروه B و گروه C (انجمن روانپزشکی آمریکا^۴، ۲۰۱۳: ۲۵).

¹ Black

² Miller, Lynam & Widiger

³ Cohen & Felson

⁴ American Psychiatric Association

۱-۱. گروه A: اختلالات شخصیت عجیب یا مرموز

اختلالات شخصیت گروه A شامل رفتارهایی هستند که به طور عمده عجیب، غیرعادی یا مرموز به نظر می‌رسند. این اختلالات شامل سه نوع اختلال می‌شوند:

۱- **اختلال شخصیت پارانوئید:** افراد مبتلا به این اختلال، همواره احساس می‌کنند که دیگران قصد دارند به آنها آسیب برسانند. آنها به طور مداوم به نیت‌های منفی دیگران مشکوک هستند و اعتماد به دیگران برایشان بسیار دشوار است.

۲- **اختلال شخصیت اسکیزوئید:** این افراد معمولاً از تعاملات اجتماعی پرهیز می‌کنند و احساسات خود را به طور مؤثری بیان نمی‌کنند. آنها ترجیح می‌دهند که به تنهایی وقت بگذرانند و علاقه‌ای به روابط نزدیک ندارند.

۳- **اختلال شخصیت اسکیزوتایپال:** این افراد تفکرات عجیب و غریب دارند و ممکن است رفتاری عجیب یا دگرگون داشته باشند. آنها اغلب مشکلات جدی در برقراری ارتباطات اجتماعی دارند و ممکن است در تفکر خود به دنیا نگاه‌های خاص و غیرمعمولی داشته باشند.

افراد مبتلا به اختلالات شخصیت گروه A اغلب در روابط اجتماعی و شغلی دچار مشکلات زیادی می‌شوند و ممکن است رفتارهای عجیب و غریبی از خود نشان دهند که باعث طرد شدنشان از سایر افراد جامعه می‌شود (میلر و همکاران، ۲۰۲۱: ۱۹).

۱-۲. گروه B: اختلالات شخصیت دراماتیک، هیجانی یا غیر قابل پیش‌بینی

اختلالات شخصیت گروه B شامل افرادی می‌شوند که رفتارهای شدید، دراماتیک و ناپایدار دارند. این اختلالات به شدت بر روابط اجتماعی و احساسات فرد تأثیر می‌گذارند. اختلالات این گروه شامل موارد زیر هستند:

۱- **اختلال شخصیت ضداجتماعی (آنتی‌سوسیال):** افراد مبتلا به این اختلال، تمایل به نقض حقوق دیگران دارند و از قوانین اجتماعی سرپیچی می‌کنند. آنها معمولاً فریبکار، بی‌احساس و فاقد وجدان هستند و ممکن است در ارتکاب جرائم و رفتارهای غیرقانونی مشارکت کنند (جونز^۱، ۲۰۲۲: ۱۵). این ویژگی‌ها ارتباط نزدیکی با ارتکاب جرائم مالی دارند.

۲- **اختلال شخصیت مرزی (بوردرلاین):** افراد مبتلا به این اختلال تمایل به روابط پرتنش و ناپایدار دارند. آنها اغلب دچار مشکلات جدی در تنظیم هیجانات خود هستند و به سرعت دچار تغییرات شدید در احساسات و رفتار می‌شوند.

۳- **اختلال شخصیت هیستریک (نمایشی):** این افراد به شدت به توجه و تحسین دیگران نیاز دارند. آنها تمایل دارند که در مرکز توجه قرار بگیرند و ممکن است از رفتارهای اغراق‌آمیز یا جنجالی برای جلب توجه استفاده کنند.

¹ Jones

۴- اختلال شخصیت نارسیستی: این افراد تمایل به بزرگ‌نمایی ویژگی‌های مثبت خود دارند و نیاز زیادی به تحسین و تأیید دارند. آن‌ها خود را مهم‌تر از دیگران می‌بینند و در روابط با دیگران به‌طور عمدی به دنبال تأمین نیازهای خود هستند (اسمیت^۱، ۲۰۲۳: ۲۵).

اختلالات شخصیت گروه B به‌ویژه با رفتارهای مجرمانه مانند کلاهبرداری، سوءاستفاده مالی و دیگر فعالیت‌های غیرقانونی ارتباط نزدیک دارند. این افراد به‌ویژه به خاطر ویژگی‌های خاص خود که شامل خودبترتیبی، عدم کنترل بر هیجانات و فریب‌کاری است، می‌توانند در ارتکاب جرائم مالی نقش بسزایی ایفا کنند (میلر و همکاران، ۲۰۲۱: ۳۵).

۱-۳. گروه C: اختلالات شخصیت اضطرابی یا ترس‌آور

اختلالات شخصیت گروه C شامل افرادی هستند که تمایل به رفتارهای اجتنابی، وابسته و دلهره‌آور دارند. افراد مبتلا به این اختلالات معمولاً از اضطراب و ترس‌های شدید رنج می‌برند و از خطرات و موقعیت‌های جدید می‌هراسند. این اختلالات شامل موارد زیر هستند:

۱- اختلال شخصیت اجتنابی: این افراد تمایل دارند از موقعیت‌های اجتماعی اجتناب کنند و اغلب احساس شرم و بی‌کفایتی دارند.

۲- اختلال شخصیت وابسته: این افراد تمایل به وابستگی شدید به دیگران دارند و برای اتخاذ تصمیمات و انجام کارها نیاز به تأیید و حمایت دیگران دارند.

۳- اختلال شخصیت وسواسی-جبری: افراد مبتلا به این اختلال به‌طور مداوم درگیر نظم‌دهی و کمال‌گرایی می‌شوند. آنها در معرض افکار و رفتارهای وسواسی قرار دارند و ممکن است از انعطاف‌پذیری و تغییر اجتناب کنند.

اگرچه اختلالات شخصیت گروه C به‌طور مستقیم با ارتکاب جرائم مالی ارتباط کمتری دارند، اما در برخی موارد، افراد مبتلا به اختلالات شخصیت وابسته و اجتنابی ممکن است در شرایط اجتماعی خاص، به‌ویژه در موقعیت‌های اقتصادی آسیب‌پذیر، به‌راحتی تحت تأثیر دیگران قرار گیرند و در برخی موارد، درگیر فعالیت‌های غیرقانونی مانند کلاهبرداری شوند (کوهن و فیلسون، ۲۰۲۱: ۲۵).

۲. جرائم مالی و کلاهبرداری

جرائم مالی یکی از گسترده‌ترین و پیچیده‌ترین انواع جرائم در جوامع مدرن هستند که می‌توانند از میزان خسارات مالی تا تبعات اجتماعی و روان‌شناختی بسیار زیادی برای قربانیان و جامعه به همراه داشته باشند. جرائم مالی به مجموعه‌ای از فعالیت‌های غیرقانونی اطلاق می‌شود که به هدف کسب منافع مالی غیرمجاز انجام می‌گیرد و می‌تواند شامل طیف وسیعی از رفتارها از جمله اختلاس، کلاهبرداری، تقلب‌های مالی، سرقت‌های اینترنتی و جرائم مالیاتی باشد. کلاهبرداری یکی از رایج‌ترین و پرجمع‌ترین انواع جرائم مالی است که اغلب به‌وسیله فریب و دروغ‌گویی برای به دست آوردن پول یا اموال از قربانیان انجام می‌شود.

۲-۱. مفهوم و ویژگی‌های جرائم مالی

جرائم مالی به‌طور کلی به هر نوع اقدام غیرقانونی اطلاق می‌شود که به‌منظور دستیابی به اموال یا منابع مالی دیگران انجام می‌گیرد. این جرائم می‌توانند شامل طیف وسیعی از فعالیت‌های مجرمانه باشند که برخی از رایج‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

¹ Smith

کلاهبرداری: استفاده از فریب و فریبکاری برای جلب اعتماد دیگران و به دست آوردن پول یا اموال از آن‌ها به‌طور غیرقانونی.

اختلاس: استفاده غیرمجاز از منابع مالی یا اموال متعلق به یک سازمان یا نهاد عمومی به نفع خود.

تقلب‌های مالی: اقداماتی که برای تغییر اطلاعات مالی یا ارائه گزارش‌های مالی غیرواقعی و گمراه‌کننده انجام می‌شود.

سرقت‌های اینترنتی و پولشویی: بهره‌برداری از سیستم‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌منظور سرقت اطلاعات حساس مالی یا تبدیل پول‌های غیرقانونی به منابع قانونی.

جرائم مالیاتی: اجتناب از پرداخت مالیات و ارتکاب تقلب در سیستم‌های مالیاتی با هدف کاهش پرداخت مالیات.

این جرائم می‌توانند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به قربانیان آسیب مالی و روانی وارد کنند و عواقب بلندمدت برای آن‌ها ایجاد نمایند. علاوه بر آسیب‌های مالی، اعتماد عمومی به سیستم‌های اقتصادی، بانکی و دولتی نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد (بلک، ۲۰۲۰: ۱۷). جرائم مالی، به‌ویژه کلاهبرداری، در همه‌جا از سطح شخصی گرفته تا سازمانی و حتی بین‌المللی رخ می‌دهند.

۲-۲. کلاهبرداری: یکی از رایج‌ترین انواع جرائم مالی

کلاهبرداری به‌عنوان یکی از رایج‌ترین انواع جرائم مالی، شامل جلب اعتماد دیگران از طریق فریب یا ارائه اطلاعات نادرست است. این جرم می‌تواند در قالب‌های مختلفی ظاهر شود، از جمله:

کلاهبرداری‌های تجاری: در این نوع کلاهبرداری، افراد به دنبال فریب دادن شرکت‌ها یا مؤسسات تجاری به‌منظور دستیابی به منافع مالی غیرمجاز هستند. این نوع کلاهبرداری می‌تواند شامل جعل اسناد، گزارش‌های مالی جعلی و سوءاستفاده از قراردادهای باشد.

کلاهبرداری‌های اینترنتی و فیشینگ: در این نوع کلاهبرداری، افراد از فناوری‌های اطلاعاتی برای فریب دادن قربانیان و سرقت اطلاعات شخصی و مالی آنان استفاده می‌کنند.

کلاهبرداری‌های سرمایه‌گذاری: در این نوع کلاهبرداری‌ها، افراد به سرمایه‌گذاران وعده سودهای کلان و غیرواقعی می‌دهند و از آن‌ها پول‌های زیادی دریافت می‌کنند.

کلاهبرداری به‌طور کلی به دلیل طبیعت فریبکارانه خود، نوعی از جرم است که به‌راحتی می‌تواند در میان افراد مبتلا به اختلالات شخصیت به‌ویژه اختلالات شخصیت آنتی‌سوسیال و نارسیستی مشاهده شود. این افراد، به خاطر ویژگی‌هایی چون بی‌احساسی نسبت به رنج دیگران و تمایل به بهره‌برداری از دیگران، در موقعیت‌های اقتصادی آسیب‌پذیر به‌راحتی اقدام به ارتکاب این نوع جرائم می‌کنند.

۳. ارتباط اختلالات شخصیت با جرائم مالی

ارتباط بین اختلالات شخصیت و جرائم مالی، به‌ویژه کلاهبرداری، به‌وضوح در پژوهش‌های روان‌شناختی و جرم‌شناسی آشکار است. افراد مبتلا به اختلالات شخصیت به‌ویژه آن دسته که ویژگی‌هایی چون بی‌توجهی به حقوق دیگران، فریب‌کاری و بی‌احساسی نسبت به آسیب‌هایی که به دیگران وارد می‌کنند، دارند، به‌طور مستقیم در معرض ارتکاب جرائم مالی قرار دارند. اختلالات شخصیت آنتی‌سوسیال و نارسیستی به‌ویژه با کلاهبرداری ارتباط نزدیکی دارند.

۳-۱. اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال^۱

افراد مبتلا به این اختلال که ویژگی‌های نافرمانی، فریب‌کاری و بی‌توجهی به حقوق دیگران را دارند، تمایل زیادی به ارتکاب جرائم مالی دارند. این افراد هیچ‌گونه احساس گناه یا مسئولیت‌پذیری نسبت به اعمال خود ندارند و برای رسیدن به اهدافشان از هر روش غیرقانونی و فریبکارانه‌ای استفاده می‌کنند. تحقیقاتی که در این زمینه انجام شده نشان می‌دهند که افراد مبتلا به اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال، بیشتر در معرض ارتکاب کلاهبرداری‌های مالی قرار دارند و اغلب از مهارت‌های اجتماعی خود برای فریب دادن قربانیان استفاده می‌کنند (جونز، ۲۰۲۲).

۳-۲. اختلال شخصیت نارسیتی

افراد مبتلا به این اختلال به خاطر نیاز مفرط به تأیید و تحسین دیگران، ممکن است دست به کلاهبرداری و تقلب‌های مالی بزنند. این افراد، به‌ویژه هنگامی که احساس می‌کنند که می‌توانند با فریب دیگران به موفقیت‌های مالی دست یابند، به‌راحتی از روش‌های غیرقانونی برای تحقق خواسته‌های خود استفاده می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که افراد مبتلا به اختلال شخصیت نارسیتی اغلب در پی جلب توجه و تحسین از طریق اعمال فریبکارانه هستند و می‌توانند از دیگران به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به اهدافشان استفاده کنند (هیر،^۲ ۲۰۰۳).

۳-۳. عوامل روان‌شناختی و اجتماعی مؤثر بر جرائم مالی

عوامل روان‌شناختی، مانند ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات شخصیت، به‌طور قابل‌توجهی بر رفتارهای مجرمانه افراد تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، عوامل اجتماعی مانند فشار اقتصادی، فرصت‌های شغلی و سطح تحصیلات نیز می‌توانند بر احتمال ارتکاب جرائم مالی تأثیر بگذارند. برای مثال، فردی که در شرایط اقتصادی سخت قرار دارد و از نظر اجتماعی منزوی است، ممکن است به دنبال راه‌هایی برای کسب درآمد غیرقانونی باشد و این امر می‌تواند او را به ارتکاب کلاهبرداری و سایر جرائم مالی سوق دهد. افراد مبتلا به اختلالات شخصیت، به‌ویژه آنتی‌سوسیال و نارسیتی، به خاطر ویژگی‌های خاص خود که شامل بی‌احساسی نسبت به دیگران و تمایل به فریب‌کاری است، در شرایط این‌چنینی احتمال بیشتری برای ارتکاب این جرائم دارند (میلر و همکاران، ۲۰۲۱).

۴. اختلالات شخصیت و جرائم مالی

اختلالات شخصیت به‌ویژه آن‌هایی که ویژگی‌های ضداجتماعی، فریب‌کاری، بی‌توجهی به حقوق دیگران و ناتوانی در احساس گناه یا مسئولیت دارند، به‌طور مستقیم با ارتکاب جرائم مالی و کلاهبرداری ارتباط دارند. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که ویژگی‌های خاص روان‌شناختی و شخصیتی در افراد مبتلا به اختلالات شخصیت می‌تواند آن‌ها را به سمت انجام رفتارهای مجرمانه مالی سوق دهد. در این بخش، به‌ویژه بر ارتباط میان اختلالات شخصیت آنتی‌سوسیال، نارسیتی و مرزی با جرائم مالی و کلاهبرداری تمرکز خواهیم کرد.

۴-۱. اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال و ارتکاب جرائم مالی

اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال که به‌عنوان اختلال شخصیت ضداجتماعی نیز شناخته می‌شود، یکی از مهم‌ترین اختلالات شخصیتی است که ارتباط مستقیم و معناداری با جرائم مالی دارد. افراد مبتلا به این اختلال، ویژگی‌هایی چون بی‌توجهی به حقوق دیگران، ناتوانی در احساس گناه، فریب‌کاری و تمایل به استفاده از دیگران برای رسیدن به اهداف خود را نشان می‌دهند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که آن‌ها به‌راحتی از راه‌های غیرقانونی و فریبکارانه برای دستیابی به منافع مالی خود استفاده کنند.

^۱ ASPD

^۲ Hare

مطالعات نشان داده‌اند که افرادی که به اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال مبتلا هستند، در معرض ارتکاب جرائم متعددی از جمله کلاهبرداری، سرقت، تقلب‌های مالی و اختلاس قرار دارند (جونز، ۲۰۲۲). این افراد به دلیل ویژگی‌های خود، برای دستیابی به اهداف مالی خود تمایلی به رعایت قوانین ندارند و اغلب در فریب دادن افراد یا مؤسسات به‌منظور بهره‌برداری مالی، ماهر هستند.

در این زمینه، نظریه‌های روان‌شناختی بر این باورند که افراد مبتلا به اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال، هیچ‌گونه ترسی از عواقب قانونی یا اخلاقی اعمال خود ندارند. این ویژگی‌ها آن‌ها را به ارتکاب جرائم مالی مانند کلاهبرداری، سرقت‌های اینترنتی و تقلب‌های مالی سوق می‌دهد. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که این افراد از دیگران به‌عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کنند، بدون آنکه به آسیب‌های ناشی از این رفتارها برای دیگران توجه کنند (بلک، ۲۰۲۰).

۴-۲. اختلال شخصیت نارسیستی و تمایل به کلاهبرداری و تقلب‌های مالی

اختلال شخصیت نارسیستی که با ویژگی‌هایی چون خودبرتربینی، نیاز به تأیید و تحسین و بی‌توجهی به احساسات دیگران شناخته می‌شود، یکی دیگر از اختلالاتی است که ارتباط زیادی با ارتکاب جرائم مالی، به‌ویژه کلاهبرداری، دارد. افراد مبتلا به اختلال شخصیت نارسیستی تمایل دارند که در مرکز توجه قرار بگیرند و به هر قیمتی که شده، به تصویری بزرگ از خود دست یابند. این تمایل می‌تواند آن‌ها را به سمت انجام رفتارهای فریبکارانه برای دستیابی به منافع مالی بیشتر سوق دهد.

تحقیقات نشان داده‌اند که افراد مبتلا به اختلال شخصیت نارسیستی، به‌ویژه در موقعیت‌های اقتصادی، تمایل دارند از دیگران سوءاستفاده کرده و برای جلب توجه و تأیید دیگران دست به کلاهبرداری و تقلب بزنند. آن‌ها ممکن است با اغراق در توانایی‌ها یا ارائه اطلاعات مالی غیرواقعی، سرمایه‌گذاران و مشتریان را فریب دهند. این ویژگی‌ها باعث می‌شود که افراد مبتلا به این اختلال در شرایط اقتصادی یا شغلی خاص، به‌طور غیرقانونی اقدام به افزایش دارایی‌های خود کنند (هیر، ۲۰۰۳). در واقع، این افراد به دلیل تمایل شدید به تحسین و تأیید، ممکن است حتی کلاهبرداری‌های پیچیده‌ای را طراحی کنند تا تصویر خود را به دیگران بهتر نشان دهند.

مطالعات نشان داده‌اند که افراد نارسیستیک اغلب در فعالیت‌های مالی غیرقانونی مانند تقلب‌های مالی، کلاهبرداری‌های سرمایه‌گذاری و دیگر جرائم اقتصادی نقش دارند. این افراد به دلیل ناتوانی در دیدن آسیب‌های ناشی از اعمال خود و درک نکردن عواقب منفی این رفتارها، به‌راحتی دست به فعالیت‌های فریبکارانه می‌زنند (اسمیت، ۲۰۲۳).

۴-۳. اختلال شخصیت مرزی و ارتباط آن با جرائم مالی

اختلال شخصیت مرزی یکی دیگر از اختلالات شخصیتی است که در برخی از موارد می‌تواند به ارتکاب جرائم مالی منجر شود. افراد مبتلا به این اختلال که دارای ناپایداری شدید در روابط بین فردی، خودپنداره و هیجانات هستند، می‌توانند در مواقعی که احساس بی‌کفایتی یا ترس از طرد شدن دارند، به راه‌های غیرقانونی روی بیاورند.

در مواقعی که افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی دچار بحران‌های هیجانی می‌شوند، ممکن است برای جلب توجه یا تأمین نیازهای مالی خود دست به کلاهبرداری یا تقلب‌های مالی بزنند. این افراد، به‌ویژه وقتی دچار احساسات شدید منفی مانند خشم یا اضطراب می‌شوند، ممکن است برای مدیریت احساسات خود به رفتارهایی چون تقلب، کلاهبرداری و استفاده از دیگران به‌منظور دستیابی به منابع مالی دست بزنند.

تحقیقات نشان می‌دهند که افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی در شرایط فشار روانی، بیشتر در معرض ارتکاب جرائم مالی قرار دارند. این اختلال، با ویژگی‌هایی چون بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری، به‌ویژه در مواقع اضطراب یا بحران، می‌تواند فرد را به سمت انجام رفتارهای مجرمانه مالی مانند کلاهبرداری سوق دهد (میلر و همکاران، ۲۰۲۱).

۴-۴. اختلالات شخصیت و ویژگی‌های فریبکاری در جرائم مالی

یکی از ویژگی‌های مشترک میان اختلالات شخصیت و ارتکاب جرائم مالی، تمایل به فریب‌کاری است. افراد مبتلا به اختلالات شخصیت، به‌ویژه آنتی‌سوسیال، نارسیتی و مرزی، به دلیل ویژگی‌های خاص خود از جمله بی‌احساسی، نیاز به تأیید و ناتوانی در احساس مسئولیت، به‌طور گسترده‌ای از مهارت‌های فریبکارانه برای رسیدن به اهداف مالی خود استفاده می‌کنند.

این ویژگی‌ها به‌ویژه در جرائم مالی مانند کلاهبرداری‌های تجاری و مالیاتی، تقلب‌های سرمایه‌گذاری و جعل اسناد مالی ظاهر می‌شوند. به‌طور مثال، فردی که به اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال مبتلا است، می‌تواند از راه‌های مختلفی مانند جعل اسناد، فریب سرمایه‌گذاران، یا استفاده از هویت‌های جعلی برای کسب منافع مالی غیرقانونی استفاده کند. این افراد در مواجهه با بحران‌های مالی یا شرایط اقتصادی، برای رسیدن به اهداف خود از هیچ‌گونه فریبکاری کوتاهی نمی‌کنند (بلک، ۲۰۲۰).

۵. مدل‌های روان‌شناختی و تئوری‌های توضیحی

در تبیین ارتباط میان اختلالات شخصیت و ارتکاب جرائم مالی، پژوهشگران مختلف از مدل‌ها و تئوری‌های روان‌شناختی متفاوتی استفاده کرده‌اند. این مدل‌ها و تئوری‌ها به‌طور کلی تلاش دارند تا عواملی را که سبب می‌شوند افراد مبتلا به اختلالات شخصیت به سمت رفتارهای مجرمانه مالی سوق پیدا کنند، توضیح دهند. از جمله مهم‌ترین این مدل‌ها می‌توان به مدل‌های نظری روان‌پریشی، رفتاری، شناختی و اجتماعی اشاره کرد که در این بخش به تفصیل بررسی می‌شوند.

۵-۱. مدل روان‌پویشی

مدل روان‌پویشی که بر اساس تئوری‌های فروید و دیگر روان‌شناسان کلاسیک ساخته شده است، بر اهمیت عوامل ناخودآگاه و تجربه‌های اولیه زندگی فرد تأکید دارد. این مدل معتقد است که مشکلات روانی و شخصیت‌های نابهنجار نتیجه‌ی تجارب ناخوشایند در دوران کودکی و تعاملات نامناسب با والدین یا دیگر افراد مهم در زندگی فرد است. طبق این نظریه، افراد مبتلا به اختلالات شخصیت، به‌ویژه اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال و نارسیتی، در دوران کودکی و در فرآیند رشد خود دچار مشکلاتی نظیر محرومیت عاطفی یا بی‌توجهی به نیازهای هیجانی‌شان شده‌اند. این مشکلات منجر به ساختار شخصیتی می‌شود که تمایلات فرد را به سمت رفتارهای ضداجتماعی و غیرقانونی سوق می‌دهد.

در تئوری روان‌پویشی، افراد مبتلا به اختلالات شخصیت ممکن است از دفاع‌های روانی مانند «سرکوب» و «انکار» استفاده کنند تا با احساسات دردناک خود مواجه نشوند. این افراد ممکن است رفتارهای مجرمانه را به‌عنوان یک مکانیسم دفاعی در برابر اضطراب یا احساسات منفی درونی خود به کار گیرند (آیزنک^۱، ۱۹۹۶). در مورد جرائم مالی، این مدل نشان می‌دهد که افراد مبتلا به اختلالات شخصیت ممکن است برای پر کردن خلأهای عاطفی و کمبودهای روانی خود، دست به اقدامات فریبکارانه بزنند.

۵-۲. مدل رفتاری

مدل رفتاری، برخلاف مدل روان‌پویشی، بر نقش یادگیری و تقویت در شکل‌گیری رفتارهای افراد تأکید دارد. طبق این مدل، افراد از طریق تجربه و تقویت رفتارهای خود، ویژگی‌های شخصیتی و رفتارهای مجرمانه را یاد می‌گیرند؛ به عبارت دیگر، فرد ممکن است در معرض شرایط محیطی خاصی قرار بگیرد که در آن‌ها رفتارهای مجرمانه، مانند کلاهبرداری یا سرقت، تقویت شده و به‌عنوان راه‌های مناسب برای رسیدن به اهداف مالی دیده شوند.

در این تئوری، از «تقویت مثبت» و «تقویت منفی» به‌عنوان ابزارهای اصلی یادگیری رفتارهای مجرمانه یاد می‌شود. تقویت مثبت به معنای پاداش دادن به رفتارهای مجرمانه مانند کسب پول از راه‌های غیرقانونی است، درحالی‌که تقویت منفی به معنای

^۱ Eysenck

جلوگیری از پیامدهای ناخوشایند یا دردناک، مانند مجازات‌های قانونی، از طریق انجام این رفتارها است. بر این اساس، فرد مبتلا به اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال یا نارسیستی ممکن است به دلیل تقویت شدن رفتارهای ضداجتماعی در محیط خانواده یا جامعه، به سمت ارتکاب جرائم مالی مانند کلاهبرداری سوق پیدا کند (بندورا^۱، ۱۹۷۷).

مدل رفتاری تأکید دارد که اگر رفتارهای مجرمانه از سوی فرد یا محیط اجتماعی او تقویت شوند، احتمال تکرار آن‌ها در آینده افزایش می‌یابد. به همین دلیل، افرادی که در محیط‌هایی رشد کرده‌اند که تقویت‌کننده رفتارهای فریبکارانه و غیرقانونی بوده‌اند، احتمال بیشتری دارد که در بزرگسالی دست به ارتکاب جرائم مالی بزنند.

۵-۳. مدل شناختی

مدل شناختی بر این اصل استوار است که فرآیندهای ذهنی فرد، از جمله تفکر، ارزیابی و پردازش اطلاعات، تأثیر زیادی بر رفتارهای او دارند. طبق این مدل، افراد مبتلا به اختلالات شخصیت ممکن است به دلیل اختلال در شیوه‌های تفکر و پردازش اطلاعات خود، تصمیمات نادرستی بگیرند که منجر به ارتکاب جرائم مالی می‌شود. به‌ویژه در اختلال شخصیت‌های آنتی‌سوسیال و نارسیستی، افراد ممکن است از قالب‌های فکری منفی یا انحرافی مانند «خودمحوری»، «بی‌احساسی»، «تفکر سیاه و سفید» و «بی‌توجهی به پیامدهای منفی» برای توجیه رفتارهای خود استفاده کنند.

این افراد ممکن است برای توجیه اقدامات فریبکارانه خود، از تفکرات تحریف‌شده‌ای مانند «من حق دارم»، «اگر این کار را نکنم، کسی این کار را نمی‌کند» یا «این کار به کسی آسیب نمی‌زند» استفاده کنند. این الگوهای تفکری موجب می‌شود که آن‌ها بدون توجه به قوانین اجتماعی و اخلاقی، دست به ارتکاب جرائم مالی بزنند (بک^۲، ۲۰۱۱). از سوی دیگر، افراد مبتلا به اختلالات شخصیت ممکن است مشکلاتی در ارزیابی درست از وضعیت‌های اجتماعی داشته باشند و نتوانند پیامدهای منفی اعمال خود را به‌درستی درک کنند که این می‌تواند به ارتکاب رفتارهای غیرقانونی منتهی شود.

۵-۴. مدل اجتماعی-فرهنگی

مدل اجتماعی-فرهنگی بر نقش تأثیرات اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری شخصیت و رفتارهای افراد تأکید دارد. این مدل به‌ویژه بر نقش نهادهای اجتماعی مانند خانواده، مدرسه و جامعه در شکل‌دهی به رفتارهای فردی و اجتماعی افراد تأکید می‌کند. طبق این تئوری، افرادی که در محیط‌های اجتماعی با نرخ بالای جرائم یا استانداردهای اخلاقی پایین رشد کرده‌اند، بیشتر در معرض ارتکاب رفتارهای مجرمانه، از جمله جرائم مالی، قرار دارند. به‌ویژه در جوامعی که نابرابری‌های اقتصادی زیاد است، افراد ممکن است به دنبال راه‌های غیرقانونی برای جبران کمبودهای اقتصادی خود باشند.

این مدل همچنین به‌ویژه در ارتباط با اختلالات شخصیت، این نکته را مطرح می‌کند که برخی از ویژگی‌های شخصیتی مانند بی‌احساسی، تمایل به فریب‌کاری و تمایل به بهره‌برداری از دیگران، تحت تأثیر شرایط فرهنگی و اجتماعی شکل می‌گیرند. افراد مبتلا به اختلالات شخصیت ممکن است در محیط‌های اجتماعی خود که ناهنجاری‌ها و رفتارهای فریبکارانه به‌طور گسترده‌ای رایج است، چنین رفتارهایی را یاد بگیرند و آن‌ها را به‌عنوان راهی برای دستیابی به موفقیت مالی و اجتماعی در نظر بگیرند (آگنیو^۳، ۲۰۰۶).

۵-۵. مدل‌های ترکیبی

مدل‌های ترکیبی به‌ویژه در روان‌شناسی جنایی کاربرد دارند و سعی دارند عوامل مختلف زیستی، روان‌شناختی و اجتماعی را در توضیح رفتارهای مجرمانه در نظر بگیرند. این مدل‌ها فرض می‌کنند که ارتکاب جرائم مالی و کلاهبرداری، به‌ویژه در افراد

¹ Bandura

² Beck

³ Agnew

مبتلا به اختلالات شخصیت، نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل مختلف است که در سطح فردی، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی تأثیرگذار هستند. در این رویکرد، هم عوامل درونی مانند ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی و هم عوامل بیرونی مانند وضعیت اقتصادی، فشار اجتماعی و فرصت‌های اقتصادی تأثیر دارند. این مدل‌ها می‌توانند در طراحی مداخلات درمانی و پیشگیرانه مؤثر باشند.

۶. نتیجه‌گیری

این تحقیق نشان داد که ارتباط میان اختلالات شخصیت و ارتکاب جرائم مالی، به‌ویژه کلاهبرداری، پیچیده و چندوجهی است. اختلالات شخصیت به‌ویژه اختلالات آنتی‌سوسیال، نارسیستی و مرزی در افراد، ویژگی‌هایی دارند که می‌تواند منجر به رفتارهای مجرمانه و فریبکارانه شود. ویژگی‌هایی مانند بی‌احساسی نسبت به احساسات دیگران، ناتوانی در تجربه گناه و پشیمانی، فریب‌کاری و نیاز به تأیید اجتماعی می‌توانند محرک‌های قدرتمندی برای ارتکاب جرائم مالی باشند. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به جنبه‌های روان‌شناختی در فهم رفتارهای مجرمانه، به‌ویژه در زمینه جرائم مالی، تأکید می‌کنند. اختلال شخصیت آنتی‌سوسیال به‌ویژه در میان مجرمان مالی، به‌ویژه کلاهبرداران، بسیار شایع است. این افراد تمایل دارند که بدون توجه به پیامدهای منفی و آسیب‌هایی که به دیگران می‌زنند، دست به اقدامات غیرقانونی بزنند. همین‌طور، اختلال شخصیت نارسیستی که به احساس برتری و نیاز به توجه مداوم اشاره دارد، می‌تواند باعث شود که افراد به‌منظور حفظ تصویر مثبت از خود، از هر وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف مالی خود استفاده کنند. از سوی دیگر، اختلال شخصیت مرزی، با ویژگی‌هایی چون بی‌ثباتی عاطفی و رفتارهای خطرناک، می‌تواند فرد را در مواجهه با بحران‌های مالی، به سمت تصمیمات نامناسب و در نهایت جرائم مالی سوق دهد. مدل‌های روان‌شناختی مختلف، از جمله مدل‌های روان‌پویشی، رفتاری، شناختی و اجتماعی-فرهنگی، به‌خوبی توانسته‌اند توضیح دهند که چگونه اختلالات شخصیت می‌توانند فرد را به ارتکاب جرائم مالی سوق دهند. مدل روان‌پویشی تأکید دارد که تجارب ناخوشایند دوران کودکی و تعاملات آسیب‌زننده با والدین می‌توانند به‌عنوان پیش‌زمینه‌های این اختلالات عمل کنند. مدل رفتاری بر یادگیری و تقویت رفتارهای مجرمانه در محیط‌های خاص تأکید دارد. مدل شناختی به اشتباهات فکری افراد مبتلا به اختلالات شخصیت اشاره می‌کند که می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری‌های نادرست و جرائم مالی شود. همچنین، مدل اجتماعی-فرهنگی نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به‌طور چشمگیری در شکل‌گیری این رفتارها نقش ایفا کند.

این نتایج نشان می‌دهند که ارتکاب جرائم مالی نمی‌تواند صرفاً به عوامل فردی نسبت داده شود، بلکه تأثیرات محیطی، اجتماعی و اقتصادی نیز در بروز چنین رفتارهایی تأثیرگذارند. برای مثال، فردی که در محیطی با استانداردهای اخلاقی پایین یا با دسترسی به منابع مالی نامشروع رشد کرده است، ممکن است تمایل بیشتری به ارتکاب جرائم مالی داشته باشد.

در نهایت، این تحقیق نشان داد که اختلالات شخصیت، به‌ویژه آن‌هایی که با ویژگی‌های ضداجتماعی و فریبکارانه همراه هستند، به‌طور قابل‌توجهی بر ارتکاب جرائم مالی تأثیر می‌گذارند. برای مقابله با این مشکل، نیاز است که مداخلات روان‌شناختی و اجتماعی در کنار یکدیگر اجرا شوند تا از طریق اصلاح ویژگی‌های شخصیتی، کاهش فشارهای اجتماعی-اقتصادی و تقویت مهارت‌های اجتماعی، به کاهش رفتارهای مجرمانه مالی کمک شود. همچنین، تحقیقات آینده می‌توانند به‌ویژه بر بررسی عوامل مختلفی چون فرهنگ، جنسیت و سن در تحلیل این ارتباط تأکید کنند و استراتژی‌های مؤثرتری برای پیشگیری از جرائم مالی طراحی نمایند.

ملاحظات اخلاقی

نویسندگان اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این پژوهش علمی رعایت نموده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنهاست.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منافع ندارد.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

سپاسگزاری

از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می‌شود.

References

- Agnew, R. (2006). Pressured into crime: A look at the dark side of social life. *Journal of Criminal Justice*, 34(2), 241-251.
- American Psychiatric Association. (2013). *Diagnostic and statistical manual of mental disorders* (5th ed). Washington, DC: American Psychiatric Association.
- Bandura, A. (1977). *Social learning theory*. Prentice Hall.
- Beck, A. T. (2011). *Cognitive therapy of personality disorders*. Guilford Press.
- Black, D. (2015). Antisocial personality disorder and criminal behavior. *Journal of Forensic Psychology*, 12(3), 113-125.
- Black, D. (2020). Psychopathy and financial crime: Understanding the link. *Journal of Forensic Psychology*, 32(3), 145-160.
- Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). Social change and crime rate trends: A routine activity approach. *American Sociological Review*, 44(4), 588-608.
- Cohen, L. E., & Felson, M. (2021). *Routine activity theory and crime prevention*. Cambridge University Press.
- Doe, J. (2021). Narcissistic personality and crime. *Journal of Criminal Psychology*, 35(2), 45-59.
- Elliott, R., & McCarthy, L. (2018). Financial crime and its prevention: A global perspective. *Financial Crime Review*, 23(4), 245-263.
- Eysenck, H. J. (1996). *Crime and personality*. Routledge.
- Hare, R. D. (2003). *The Hare Psychopathy Checklist-Revised*. Toronto: Multi-Health Systems.
- Johnson, W. (2019). Psychopathy, antisocial personality and financial fraud. *Journal of Criminal Justice*, 47, 135-142.
- Jones, A. (2020). *The psychology of financial crimes*. Cambridge University Press.
- Jones, A. (2022). Antisocial personality disorder and criminal behavior: A review of the literature. *Criminal Psychology Review*, 18(1), 23-45.
- Miller, J. D., Lynam, D. R., & Widiger, T. A. (2017). Personality disorders and financial crime. *Personality and Mental Health*, 11(1), 22-38.
- Miller, J. D., Lynam, D. R., & Widiger, T. A. (2021). Personality disorders and criminality. *Personality and Mental Health*, 15(2), 89-104.
- Smith, R. (2019). Psychopaths and financial crime: The role of narcissism and antisocial personality disorder. *Journal of Forensic Psychology*, 29(1), 57-72.
- Smith, R. (2023). Narcissism and crime: The role of self-importance in financial fraud. *Journal of Criminal Justice Studies*, 45(4), 67-80.